

جوانی را دریابیم

یکی از اندیشمندان و معاصران که صاحب تألیفات زیادی است^۱ می‌گوید:

من در جوانی حدود ۶ ساعت را به طور مداوم و بدون استراحت مطالعه می‌کردم و پس از کارهای علمی ممتد، احساس خستگی نمی‌کردم. اما اکنون (که پایان مطالعه در تاریخ به سن گذاشته‌ام) با یک ربع ساعت مطالعه دچار خستگی می‌شوم. در جوانی به دلیل اشتغالات علمی، مکرراً شب را تا به صبح بیدار بودم بدون آن که احساس کمبود خواب کنم ولی اکنون اگر نیم ساعت از خوابم کم شود قادر به کار کردن نیستم. با توجه به این نمونه‌ها جوانان می‌توانند دریابند چه سرمایه‌ی با ارزشی در اختیار دارند.

جوانان باید بدانند که سرمایه‌ی بسیار گران‌بهایی در اختیار دارند که به آرامی از کف آنها می‌رود. باید از خدا بخواهند که به آنها توفیق دهد که این سرمایه را در راه صحیح به کار گیرند. ارزش این سرمایه‌ی عظیم گفتنی نیست و با هیچ معیار و مقیاسی نمی‌توان ارزش آن را بیان کرد. ارزش یک سال جوانی از میلیاردها دلار بیشتر است!

در دوران جوانی و در بهترین فرصت‌ها شیطان انسان را وسوسه می‌کند؛ گاه انسان را به چیزی سرگرم می‌کند که غیر از ضرر و بیهودگی نتیجه‌ای نخواهد داشت. به فرض جایز بودن برخی کارها، نتیجه‌ی چند ساعت بطالت در مقابل عبادت و توجه به خدا اصلاً قابل مقایسه نیست!

عمر هدیه‌ای است خدادادی که سعادت و شقاوت هر فرد در گرو چگونگی صرف کردن آن است.

داد حق عمری که هر روزی از او کس نداند قیمتِ آنش، جز او

^۱ - علت عدم ذکر نام ایشان آن است که نوشته‌ها و شخصیت ایشان در اجتماع موافقان و مخالفانی دارد که مسیر ذهن را از درس آموزی از تلاش در جوانی و توصیه‌ی ارزنده‌ی ایشان، به مسائل دیگری معطوف می‌کند که البته آنها هم به جای خود مناسب طرح و گفتگوست اما هدف این نوشته پرداختن به آن موارد نیست.